

سیر ساختاریابی سوره

در تفاسیر قرآن کریم*

- ابوالفضل خوش‌منش^۱
- فاطمه علیان‌نژادی^۲

چکیده

تقسیم قرآن مجید به سوره‌ها، امری بر اساس حکمت الهی است و توجه به آن، از زمان آغاز نزول و نیز در آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، با تعبیر و از زوایای گوناگون وجود داشته و کمتر کسی است که این تقسیم‌بندی را صرفاً از روی تصادف و فاقد معنا بداند. سوره‌شناسی و توجه به ساختار سوره‌ها، امری است که در زمان‌های اخیر بیش از پیش محل توجه واقع شده و از جمله مشخصات مهم سبک و اسلوب قرآن و پایه‌ای برای تدبیر نظام‌مند دانسته شده است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و نیز توجه به آنچه تاکنون در این زمینه انجام شده است، چگونگی بازتاب ساختار و ارتباطات درونی سوره‌ها را در تفاسیر قرآن مورد تتبع قرار داده است. پژوهشی از این دست،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۳۰.

۱. دانشیار دانشگاه تهران (khoshmanesh@ut.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
(f.aliannjadi@modares.ac.ir)

جایگاه مفاهیمی مانند وحدت موضوعی، جامعیت واحد، ساختار هندسی، تفسیر ساختاری و نظم ساختاری را بیشتر و بهتر تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که شکل‌گیری و تکامل شناخت ساختار سوره می‌تواند یکی از عوامل و راهکارهای استنباط مفاهیم از آیات و سوره‌های قرآن کریم باشد.

واژگان کلیدی: ساختار سوره، تفاسیر قرآن کریم، ساختارشناسی، نظم، ارتباط.

مقدمه

قرآن کریم دارای چینی منظم و حکیمانه است و «سوره»، نخستین ساختار تشکیل‌دهنده قرآن، نظم خاص و منحصر به فردی دارد. قرآن همه آیات خود را منسجم و دارای نظمی واحد توصیف می‌کند که در بیان حقایق و حکمت‌ها و هدایت به سوی حق، اسلوبی متقن و بی‌مانند داشته و متشابه و نظیر یکدیگرند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱/۳) و به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر یک از آیات قرآن کریم، شاهد و تصدیق‌کننده آیات دیگر است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۸/۲).

شناخت ساختار سوره که از رشته‌های نوین در حوزه تحقیقات قرآنی محسوب می‌شود، ابتدا مرتبط به مبحث تعیین جایگاه آیات در سوره‌ها در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که مواضع تمام آیات بدون توجه به مکان و زمان نزول آن، در سوره‌ای معین و در بین آیاتی خاص توسط ایشان تعیین می‌شد (طبرسی، ۱۳۷۳: ۴/۵). در مباحث سنتی علوم قرآن نیز در ابتدا با عناوین نظم قرآن، تناسب آیات و سوره مطرح شده که اغلب به صورت پراکنده بوده است. زرکشی به نقل از ابن عربی در کتاب *سراج المریدین* آیات قرآن را همچون کلمه‌ای منسجم و دارای اتساقی مبتنی بر نظم معرفی می‌کند:

«ارتباط آی القرآن بعضها ببعض حتى تكون الكلمة الواحدة، متسقة المعانی، منتظمة المبانی، علم عظیم» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۳۲/۱).

او همچنین اجزای کلام قرآن را چنان در هم تنیده می‌داند که ساختمانی محکم با اجزایی هماهنگ ایجاد کرده است (همان: ۱۳۱/۱). افزون بر انسجام و هماهنگی کلمات قرآن، میان جمله‌ها و عبارات یک سوره نیز در هم تنیدگی و ارتباط وجود دارد

که مجموعه‌ای واحد با اجزاء و آیاتی به هم پیوسته را پدید آورده که در آن هیچ جدایی و بیگانگی و تفرق و ناهمگونی نیست و می‌توان این پیوند و ترابط را درک کرد (زرقانی، ۱۳۸۵: ۲/۲۱۲). بنابراین هر سوره دارای شخصیتی ممتاز می‌گردد که به سراسر سوره قوام می‌بخشد و از مقتضیات این خصوصیات، گردآوری موضوعات و ارتباط آن‌ها حول محور خاص، بر اساس نظامی خاص است (سید بن قطب، ۱۴۲۵: ۱/۵۵۵). این نظام‌مندی، ریشه در اندیشه ساختارگرایی^۱ دارد؛ یعنی در مطالعات ساختارگرایی هر واحد ادبی از تک جمله گرفته تا کلِ نظم کلمات با مفهوم نظام ارتباط دارد (اسکولز، ۱۳۷۹: ۲۷) که به جای پرداختن به نقد و بررسی عناصر تاریخی اجتماعی به وجودآورنده متن، به بررسی ساختارهای ادبی، زبانی و معنایی متن می‌پردازد (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۸). ضرورت این تحقیق به دلیل روی‌آوری مفسران معاصر به مسائل ادبی، زبانی و تحلیل‌های متنی و نیز نهادینه کردن ساختارشناسی سوره به عنوان قدم‌های آغازین تفسیر هر سوره که نوعی نگاه تخصصی به آن محسوب می‌شود، بیشتر آشکار می‌گردد.

مقالات متعددی در زمینه موضوع پژوهش حاضر به نگارش درآمده‌اند که اغلب به صورت غیر مستقیم با آن ارتباط دارند. برخی تحقیقات در جهت اثبات و تبیین ساختار یکی از سوره‌ها بوده‌اند؛ مانند «بررسی ساختار سوره انسان و دسته‌بندی آیات آن» از عباس اسماعیلی و مریم نساج، «رویکرد ساختارشناسانه به سوره کهف» از فتحیه فتاحی زاده و مرضیه ذاکری. برخی در زمینه وحدت موضوعی هستند؛ مانند «وحدت موضوعی سوره‌ها در تفسیر المنار و المیزان» از سیدهاشم حسینی، «رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در *الاساس فی التفسیر*» از سیدعلی آقایی. برخی به بررسی نقش سیاق در سوره‌ها پرداخته‌اند؛ مانند «نقش سیاق در تفسیر آیات قرآن» از عبدالؤمن امینی، «سیاق السورة القرآنية و اثره فی تفسیر النص و بیان تماسکه قراءة نحویة فی سورة ق» از حسن مصطفی عراقی، «میزان سیاق در تفسیر المیزان» (مطالعه موردی سوره بقره) از حجت علی نژاد و جواد فرامرزی. برخی دیگر ساختار را با نگاه

کلی‌تر نسبت به همه سوره‌ها مدّ نظر قرار داده‌اند؛ مانند «روش نوین در تفسیر و فهم آیات الهی: تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن» از محمد خامه‌گر، «نگرش ساختاری به سوره‌های قرآن» از مهرداد عباسی. اما درباره سیر شکل‌گیری و تکامل نظام ساختاری سوره در تفاسیر، پژوهشی تا به حال مشاهده نشده است.

این تحقیق ضمن ارج نهادن بر تمام تحقیقات گذشته در صدد است به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف دفاع از انسجام ساختاری و محتوایی سوره‌ها و تبیین اهمیت شناخت ساختار سوره در تفسیر آیات الهی به این سؤال پاسخ دهد که ساختار و ارتباطات درونی سوره‌ها در تفاسیر قرآن چگونه بازتاب یافته است. به همین منظور پس از تعریف مفاهیم نظری، به بیان انواع رویکرد مفسران به ساختارشناسی سوره در تفاسیر عقلی و اجتهادی و گاه برخی تفاسیر عرفانی و روایی پرداخته شده است. این سیر تطور که از حوزه نظم الفاظ در سده‌های نخستین آغاز شده و امروزه به بیان ابعاد مختلفی از ساختار رسیده است، ضرورت و فواید نگرش ساختاری را در تفاسیر، بیشتر نمایان می‌سازد.

تبیین مفاهیم سوره و ساختار

«سوره» از نظر اندیشمندان حوزه لغت‌شناسی از ریشه «سور» است. تنها سوره‌ای که افتتاح آن با این واژه است، سوره مبارکه «نور» است: «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور / ۱). در قرآن از این ریشه، استعمالات اسمی و فعلی در کاربست‌های دیگر نیز به کار رفته است.^۱ در کتاب‌های لغت، مراد از «سور» دیوار و حصار و مراد از «تَسْوَر» تصاعد و بالا رفتن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۷).

«ساختار»^۲ برگرفته از واژه «ساخت» به معنای «حالت»، «شکل» (دهخدا، ۱۳۶۵: ذیل واژه) و «ترتیب اجزاء» (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه) است. در فرهنگ‌های واژگان عربی نیز، ریشه «بن‌ی» به معنای ساختمانی است که اجزاء آن با یکدیگر ترکیب شده‌اند:

۱. «فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ سُورِيَهُ بِأَبِّ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» (حدید / ۱۳)؛ «وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تُسَوَّرُوا بِالْحَرَابِ» (ص / ۲۱).

«وهو بناء الشيء بضم بعضه إلى بعض» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۱). از جمله مشتقات این واژه «بِنْيَة» است که به بیت‌الله الحرام تعبیر شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸۲/۸) و معادل نزدیک‌تر به واژه ساختار در زبان عربی «الْبِنْيَة» است که کاربرد قرآنی ندارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۴/۱۴).

در علم «زبان‌شناسی»، ساخت به معنای شبکه روابط همنشینی و جانمایی عناصر یک نظام در رابطه متقابل با یکدیگر است که هر نظامی را شامل شده و مختص زبان نیست (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۱). از این رو روابط عناصر تشکیل‌دهنده یک نظام، تحت اصول و قوانین خاص، سبب انسجام و یکپارچگی آن می‌شوند (همان: ۱۸۶). به عبارتی دیگر، ساختار پیوندی یکپارچه و منسجم میان همه عناصر هنری است که نویسنده با کاربست شگردهای ادبی و هنری، آن را به طرز هنرمندانه پدید می‌آورد. آنگاه همه عناصر و اجزاء علاوه بر ارتباط متقابل با یکدیگر، در ارتباط با کلیت ساختی بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. بر پایه همین قوانین و اصول است که ساخت به منزله کلیت و نظام معنا می‌شود و قابل تعریف است (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۶). ساختار سوره نیز ناظر به توصیف و تبیین نظم و ارتباط آیات، انسجام اجزاء، شکل سوره و نیز در ارتباط با کلیت آن است که تصویری پیوسته، هماهنگ و زیبا از سوره ارائه می‌دهد تا در پرتو این هماهنگی، نظم، انسجام و ارتباط، راه تدبر در آیات آسان گشته و مقدمه‌ای کارآمد برای ورود به عرصه تفسیر گردد.

مروری بر پیشینه تاریخی ساختار سوره

قرآن کریم در محیطی نازل شد که ذائقه عموم مردم آن محیط، با شعر و خطابه آشنا بود. پس از نزول قرآن، شماری از قوم عرب، فضل کلام‌الله مجید را بر دیگر سخن‌ها تا حدودی دریافتند و قرآن در میان قوم عرب با میزه‌ای به نام فصاحت و بلاغت شناخته شد. در آن دوره چون آگاهی غالب و اطلاع عمومی آن قوم از نظم و بلاغت سخن بود، این جنبه بیش از جنبه‌های دیگر در نظر آمد و جمال اغلب جنبه‌های دیگر در نظر آنان ناشکفته ماند (خوش‌منش، ۱۳۹۳: ۱۰۶). بدین طریق نظریه نظم‌نوین قرآن در ارتباط با بلاغت شکل گرفت. فهم و تصورات متعدد از این اصطلاح در نزد

علماء آن دوره سبب شد که گروهی نظم را مرتبط به لفظ، و گروهی به معانی نسبت دهند (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۱). زیربنایی‌ترین اندیشه نظم قرآن از دیدگاه جاحظ شکل گرفت که آن را به سان پیکری تشبیه کرد که لفظ به جای بدن و معنا به جای روح آن است و میان متن قرآن از جهت شکل ظاهری و بُعد معنوی با تمام گونه‌های ادبی معروف فرق گذاشت (صاوی جوبنی، ۱۳۸۷: ۳۵۶) و تقارب و تجانس و دور بودن الفاظ از تنافر را همان ائتلاف و تلیق و تناسب در همنشینی واژه‌ها و عبارات بیان کرد (جاحظ، ۱۳۴۵: ۲۳/۱). پس از جاحظ، رمانی با تحلیل سطح بلاغی متن، معیارهای کیفی مشخصی ارائه داد که بیشتر به ابعاد هنری و زیبایی‌شناختی قرآن مربوط می‌شود (رمانی و خطابی و جرجانی، ۱۹۵۶: ۹۴). از نگاه خطابی نیز نظم در فصاحت الفاظ قرآن تعریف شد؛ یعنی بهترین چینش و گزینش الفاظ همراه با صحیح‌ترین معانی (همان: ۲۷). از این منظر، جای گرفتن الفاظ در موقعیتی مناسب، از ارکان و مقومات نظم محسوب شده و با کمترین جابه‌جایی، سبب دگرگونی معنا و فساد نظم خواهد شد. در قرن پنجم، نظریه نظم عبدالقاهر به ترکیب کلمات و تناسب آن‌ها توجه ویژه‌ای نشان داد (صفوی، ۱۳۸۰: ۸۸) و آن ایجاد ارتباطی محکم بین فصاحت و بلاغت بود؛ البته آن نظمی که در سایه اصول نحو صورت گیرد و حاصل آرایش‌های نحوی و الگوهای خاص کلمات باشد (جرجانی، ۱۴۲۱: ۴۶). بر این اساس، نظریه نظم جرجانی تمام برتری و مزیت کلام را به معانی نحوی برگرداند.

تا به اینجا دو رویکرد عمده درباره نظم قرآن مطرح نظر بوده است؛ دسته‌ای به شاخص‌ها و متغیرهای لفظی و دسته‌ای دیگر به ملاک‌ها و معیارهای معنایی تأکید ورزیده‌اند و لفظ، مقوم اساسی در مجموعه نظم و پایه اول عبارات، جملات و دیگر ساختار متنی، محسوب شده که دقیق و جانشین‌ناپذیر است. اما توجهی به کلیت سوره، به عنوان یک واحد متنی نشده و کمک چندانی به کشف ساختار سوره نکرده‌اند.

از جمله اولین کوشش‌ها در سیر تاریخی تحلیل ساختاری سوره، در مبانی و شیوه تفسیری محمد بن عبدالله ترمذی، فقیه، صوفی و حکیم قرن سوم دیده می‌شود. متن کامل تفسیر وی برجای نمانده است، اما آنچه در آثار گوناگون او از مباحث تفسیری

می‌توان یافت، چه‌بسا بتوان گفت که او از پیشگامان معتقد به علم تناسب و محور موضوعی در تفسیر آیات و سوره است. گرچه او دیدگاه خود را در این باره نظریه‌مند نکرده است، اما معتقد است که چینش آیات هر سوره از ترتیبی توقیفی و حکیمانه پیروی می‌کند؛ آن‌سان که برای هر سوره می‌توان محور موضوعی در نظر گرفت. حکیم ترمذی از میان سوره‌های قرآن کریم این شیوه را برای تفسیر در سوره بقره به کار می‌بندد؛ بزرگ‌ترین سوره‌ای که با وجود موضوعات پراکنده، در نظر گرفتن تناسب آیات آن بسی دشوارتر از دیگر سوره‌هاست. نوشته‌ی وی با عنوان «مقاصد سورة البقرة» در کتاب *المسائل المکنونه*، تفسیری با رویکرد تحلیل محتوای ساختاری بر این سوره است. او با نگاه عرفانی، مقاصد سوره را تحلیل می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در این سوره یک پیام کلی و اصلی یافت می‌شود و آن اینکه مسلمانان باید هم احکام ظاهری دین را رعایت کنند و هم احکام باطنی را. این نتیجه که با یکی از آیات پایانی سوره پیوند می‌خورد - که به مؤمنان یادآور می‌شود آنچه را در دل دارند بروز دهند یا پنهان کنند برخدا مخفی نخواهد ماند -^۱، معنای روشن‌تری را القا می‌کند؛ گویی ترمذی معتقد است که می‌توان خلاصه پیام اصلی و مهم سوره را در آخرین آیاتش پی‌جویی کرد (خانی، ۱۳۹۶: ۵۸).

در سده چهارم نیز تحلیل بخشی از سوره‌ها با بیان کیفیت ارتباط جمله‌ها و آیات درون سوره‌ها از سوی باقلانی (متوفی ۴۰۳ ق.) بود. باقلانی در کتاب *اعجاز القرآن* در پی اثبات تفوق و برتری کلام قرآن بر دیگر سخن‌ها نشان می‌دهد که به ارتباط موضوعی و ساختاری درون سوره‌ها توجه داشته است (باقلانی، ۱۴۲۱: ۱۹۳). روش او در بررسی بُعد اعجاز‌گونه قرآن اندکی متفاوت‌تر از دانشمندان قبل از خود است. او از راه مقایسه و تحلیل سوره‌های نمل، قصص، غافر و شعراء با دیگر قصیده‌های عربی، در صدد نشان دادن پیوستگی لفظی و محتوایی درون سوره برای دستیابی به نکاتی است که عموماً یک خواننده سطحی نگر از آن غافل می‌ماند (سلام، بی‌تا: ۲۹۲). از نظر این مؤلف، نظم و هماهنگی همه آیه‌های کوتاه و بلند و متوسط در هر سوره، ابتدا و پایان

۱. «وَإِنْ تَدْرَأْمَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْنَ بِحَايِبِكُمْ بِهِنَّ اللَّهُ فَيَغْفِر لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ» (بقره / ۲۸۴).

سوره، مواضع فصل و وصل، انتقال و تحول از قصه‌ای به قصه دیگر و از بابی به باب دیگر باید مورد توجه قرار گیرد (باقلانی، ۱۴۲۱: ۱۲۵-۱۲۶).

باقلانی اولین تحلیل را در سوره نمل از آیه ﴿وَإِنَّكَ لَلْأُولَى الْقُرْآنِ مِنَ لُدُنِ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾ (نمل/ ۶) که درباره شأن و منزلت قرآن است، آغاز می‌کند؛ سپس آن را به آیه ﴿إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا...﴾ (نمل/ ۷) متصل می‌کند و با یادآوری آیات مشابه این آیه در سوره‌های طه (آیه ۱۰) و قصص (آیه ۲۹)، به آیه بعدی منتقل شده^۱ و عبارت انتهایی این آیه ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ را با مقدمه و سخن آغازین سوره پیوند می‌زند. در ادامه آیات پس از این سیاق را نیز مشروحو بر ربوبیت الهی در این آیه می‌داند (همان: ۱۲۴). او بر این باور است که سوره شعراء مشتمل بر داستان‌های متصلی است که در پی ایجاد هدفی خاص تنظیم شده‌اند و در انتهای سوره همه به آخرین مقطع که مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، مرتبط می‌گردند؛ زیرا آیات مقطع پایانی به آیه انذار منتهی می‌شوند که اهداف و نتایج انتقالات از هر داستان به داستان دیگر را در این سوره روشن تر کرده و در پایان برای تسکین و آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله تنظیم شده‌اند (همان: ۱۲۸). در نهایت، وی با اعتبار بخشیدن به وحدت و پیوستگی آیات یک سوره، آن را متنی کامل دارای الفاظ، عبارات، معانی و موضوعات متعدد و مرتبط با یکدیگر نشان می‌دهد که حتی فصل و وصل آیات نیز برگرفته از نظم خاص قرآن است؛ خصوصیتی که این کلام الهی را از سخن عادی بشر متمایز می‌سازد (همان: ۱۳۷). بدین ترتیب گرچه در این اثر کیفیت ارتباط جمله‌ها و آیات با یکدیگر و نیز اتصال معنا و موضوع به شکلی نسبتاً ضعیف تبیین شده، اما این نگرش‌ها می‌تواند ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین نگاه ساختاری به سوره‌ها در آثار پیشینیان باشد.

نظم و ساختار سوره در تفاسیر

تفاسیر قرآن کریم کم و بیش از نگاه‌ها و زوایای متعددی به ساختار سوره اشاره کرده‌اند. گاه ساختار درونی سوره‌ها در برخی تفاسیر، در حد اتصال یک آیه با آیات

۱. ﴿فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ تُورِكَ مِنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل / ۸).

مجاور یا با تکیه بر سیاق تبیین می‌شود. دسته‌ای دیگر با بهره‌گیری از ارتباطات درون سوره‌ای مانند ارتباط لفظی معنایی آیات ابتدا و انتهای یک سوره، ارتباط مقاطع، تضادها و تقابل‌های اجزای سوره و تکرارها، به معرفی بیشتر سوره‌ها پرداخته‌اند. گام بعدی، تفاسیری هستند که به تعیین اهداف و اغراض سوره‌ها پرداخته‌اند و دید غرضی و تعیین غایت محور آن‌ها پررنگ‌تر شده است که در سطور آتی به نمونه‌های مذکور اشاره خواهد شد.

۱. نظم و ساختار درونی آیات

آیه‌های قرآن کریم از نظر ساختار از تنوع گوناگون برخوردارند. گاه آیه از یک کلمه مانند: ﴿طه﴾ (طه / ۱)، ﴿مُدْهَامَتَانِ﴾ (رحمن / ۶۴) بدون محاسبه حروف، و گاه از دو کلمه مانند: ﴿وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾ (طور / ۲) تشکیل شده است تا آیات بلندی که به حجم یک صفحه می‌رسند (ر.ک: بقره / ۲۸۲). از این رو آیه، جمله‌ای کامل و گاه جزئی از جمله می‌شود؛ یعنی یک جمله از آیات چندی تشکیل شده یا آیاتی نیز هستند که شامل چندین جمله می‌شوند (خرقانی، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

۲. نظم و ساختار بیرونی آیات

ساده‌ترین قسمت ساختار بیرونی آیات، تناسب آیات یعنی ارتباط دو یا چند آیه با یکدیگر است که در پی آن به ارتباط گروهی این آیات، سیاق هم گفته می‌شود که مورد اهتمام بیشتر مفسران بوده است.

۱-۲. تناسب آیات

تناسب از حیث لغوی از ریشه «ن س ب» به معنای اتصال چیزی به چیزی دیگر است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۲۳/۵)؛ شبیه ارتباطی که در عالم انسان‌ها دیده می‌شود: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا﴾ (فرقان / ۵۴) و از حیث اصطلاحی ناظر به آیات قرآن کریم این اتصال و ارتباط معنا پیدا می‌کند.

کمترین التفات به علم مناسبت، التزام و اعتقاد به تناسب و ارتباط آیات در مبانی تفسیری مفسر است. در تفسیر عرفانی مانند *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*

(۶۳۸ ق.) نامی از مناسبت برده نشده است؛ اما به طور عملی، مقوله مناسبت و انواع آن در تفسیر آیات به کار رفته است و نشان می‌دهد که علم مناسبت از نکات کلیدی و زیربنایی این تفسیر است (ابن عربی، ۱۴۱۰: ۱۳/۱-۱۴). تفسیر *روض الجنان و روح الجنان* تحت عنوان وجه اتصال، اشارات قابل توجهی به پیوستگی آیات دارد (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۸۹/۳ و ۳۳۹). افزون بر مناسبت لفظی، مناسبت معنوی نیز در ارتباط آیات نقش ویژه‌ای دارد. در مناسبت معنوی، سخنور معنایی را آغاز، و سخنش را با عبارتی که تنها با آن معنا مناسبت معنوی دارد، به پایان می‌رساند (ابن ابی‌اصبح مصری، ۱۳۶۸: ۲۳۱). در تفسیر عرفانی *بیان السعادة فی مقامات العبادة* گرچه مؤلف ظاهراً پیوند تمام آیات را لازم نمی‌داند و برخی از آیات و جملات را استینافیه محسوب می‌کند (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۹۲/۱)، اما مناسبت معنوی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند (همان: ۱۱۵/۱).

۱-۱-۲. مفهوم تضاد و ترتیب

تضاد یکی از انواع علم مناسبت است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۳۶/۱). ترتیب و تضاد در مقابل هم قرار دارند؛ زیرا مراد از ترتیب، هماهنگی و یگانگی و گرد آوردن اشیاء بر اساس ترتیب درونی، و مراد از تضاد، ناهماهنگی و نابرابری و مخالفت است. توجه به تضاد و ترتیب از مبانی تأویلی و روش مفسر *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار* است که با استفاده از این دو قاعده به تفسیر آیات پرداخته و تا قبل از او کسی از این روش استفاده نکرده است (ایرانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۵). این مفسر افزون بر اهتمامی که به نظم آیات قرآن (شهرستانی، ۱۳۸۷: ۵۹/۱) و بیان وجه مناسبت آن‌ها در این تفسیر دارد (همان: ۳۹/۱ و ۴۲)، در مقدمه تفسیر خود کاربرد دو حکم تضاد و ترتیب در آیات قرآن را نهادینه‌شده در فطرت مردم می‌داند (همان: ۵۶/۱ و ۱۰۳/۲). بنابراین زوج‌های زبانی و ارتباطات آن‌ها در قرآن از نگاه این مفسر در تفسیر قرآن نقشی کارآمد و مؤثر دارد.

۲-۲. بهره‌گیری از سیاق

سیاق عبارت است از آنچه سخن را احاطه کرده است؛ اعم از الفاظی که با این سخن، کلام پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند یا قرائن حالیه‌ای که با شرایطی، بر کلام احاطه یافته‌اند؛ در حالی که هر یک از این‌ها بر موضوعی دلالت دارند (صدر، ۱۹۷۸:

۱۳۰). اصل قرینه بودن سیاق و تأثیر آن در تعیین معنای واژه‌ها و مفاد جمله‌ها و آیه‌ها از اصول عقلایی محاوره است که در تفاسیر از این اصل، کم و بیش برای مقاصد مختلف بهره برده‌اند. لازمه پذیرش سیاق جملات و آیات، اعتقاد به ارتباط و پیوستگی آیات است و میزان به کارگیری و نقش سیاق در تفاسیر متغیر است. سید مرتضی در مقدمه کتاب تفسیر خود، *نفائس التأویل*، بر اهمیت و تأثیر سیاق در تفسیر متن تأکید می‌کند و آن را با نظم قرآن مرتبط می‌داند و اهمال و سستی در این امر مهم را باعث برداشت غلط و اشتباه می‌داند؛ برای نمونه به آیه ﴿ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ﴾ (دخان / ۴۹) اشاره می‌کند که بر خلاف معنای ظاهری آن در سیاق ذلت و حقارت بیان شده است (سید مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۳۱: ۸۱/۱). همچنین آیات ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ و ﴿لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ﴾ (فتح/۸-۹) را بر خلاف تغییر مخاطب در این دو آیه، کلامی واحد می‌داند که تک تک واژه‌های آن به همدیگر متصل‌اند (همان: ۸۶/۱). شیخ طوسی نیز به اهمیت ارتباط و سیاق در سوره‌ها واقف بوده و در کنار اتصال جملات به یکدیگر (طوسی، بی‌تا: ۲۲۲/۳) و اتصال آیات به ماقبل و مابعد (همان: ۴۳۴/۲-۴۳۵)، از دسته‌بندی‌های آیات در گروه‌های سه‌تایی و چهارتایی (همان: ۳۱۵/۶)، جهت کشف مفاهیم آیات بهره می‌برد (همان: ۹۲/۱، ۵۳۲ و ۳۸۳/۲). بیان نظم و ارتباط آیات در سور سبع طوال، در تفسیر تبیان فراوان به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد شیخ طوسی بیان هماهنگی ساختار درونی این سوره‌ها را ضروری‌تر از سوره‌های کوچک می‌دانسته است.

طبری نیز در تعیین معنای بعضی الفاظ آیات و نیز در قبول و رد روایات از سیاق بهره گرفته است. تعابیری مانند «أشدها أئساقاً علی نظم الکلام و سیاقه» (۱۴۱۲: ۲۲۵/۳)، «فی سیاق واحد» (همان: ۲۴۴/۳)، «فی سیاق تلك الآیات» (همان: ۶۹/۲۵) و همچنین توجه به نظایر آیات (همان: ۵۳/۳ و ۶۶/۸)، سپس انتخاب قول ارجح در اختلاف قرائت آیات، گوشه‌ای از نگاه ساختاری طبری به سوره است؛ برای مثال در آخرین آیه سوره شمس، سخن از اتساق رئوس آیات به میان آمده و در نهایت با توجه به نظم، ارتباط فواصل و رئوس آیات ابتدایی سوره، نوع اماله حرف یاء را در آیه ﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ تعیین می‌کند (همان: ۱۳۸/۳۰). انتخاب قول ارجح بین واژه‌های «نفضل» و

«یفصل» (رعد/۴)، نمونه دیگری از توجه به سیاق و سوره است (همان: ۶۸/۱۳ و ۸۵/۲۵). صاحب تفسیر کشاف نیز برای تعیین معنای مفردات قرآنی از جایگاه کلمات و سازگاری آن‌ها با سیاق استفاده می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۰۶/۱ و ۴۰۳/۳). از نظر زمخشری نظم کلام، همان بیان ارتباط جملات و کیفیت امتزاج آن‌هاست و به کارگیری آن، مبین اسرار و کاشف وجوه اختلاف معنوی است که مرتبط با سیاق و غرض عام آیات است (ابوموسی، ۱۴۰۳: ۲۳۶-۲۳۷).

یکی از الگوهای نگاه ساختاری به سوره‌ها در تفاسیر دسته‌بندی آیات است. گاهی یک آیه به تنهایی یک سیاق واحد قلمداد شده و گاهی دو، سه، چهار یا پنج آیه تحت یک گروه بررسی شده‌اند. تفسیر *مفاتیح الغیب* نمونه بارزی از بیان ارتباطات و اهتمام به سیاق است. رازی هماهنگی میان الفاظ و مناسبت بین آیات را از ملزومات کلام الهی محسوب می‌کند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۵۴۰/۳۰). ارتباط میان آیات یک سوره (همان: ۵۴۵/۳۰)، توجه به آیات تکراری و بیان غرض تکرار آن‌ها در سوره (همان: ۲۰۹/۳۲) و تعیین یکی از وجوه قرائت با استفاده از سیاق (همان: ۳۵۴/۲۶)، یک نوع نگرش ابتدایی از بینش ساختارگرایانه رازی است. منظور از واژه نظم در تفاسیر ذکرشده، همان بیان وجه پیوستگی و اتصال آیات پسین به پیشین است و نگاه ساختاری این تفاسیر تنها محدود به دو مبحث تناسب آیات و سیاق بوده است.

۳. نظم و ساختار درونی سوره

نظم و ساختار درونی سوره‌های قرآن کریم در دو سده اخیر بیش از گذشته مورد توجه مفسران و اندیشمندان قرآنی بوده است. هر یک از آن‌ها جنبه‌ای از ساختار لفظی و محتوایی سوره را مورد توجه قرار داده‌اند. علاوه بر موارد قبل، ویژگی‌هایی چون تقسیم‌بندی سوره‌ها به مقاطع، ارتباط سوره‌ها، اشاره به موضوعات اصلی و کلیات سوره، هدفداری و وحدت موضوعی در سوره، در این تفاسیر پررنگ‌تر دیده می‌شود. تفسیر سوره‌ها در این موارد همراه با بیان کشف غرض و هدف سوره یا بدون در نظر گرفتن آن بوده است.

۳-۱. ساختاریابی سوره بدون تعیین غرض و محور موضوعی سوره

در برخی تفاسیر، ساختار و نظم سوره بحث مستقل و جامعی نداشته و نظرات و دیدگاه‌های ساختاری این مفسران اغلب درون تفاسیر پراکنده بوده است. آنان افزون بر تناسب آیات و توجه به سیاق در سوره، روش‌های دیگری همچون ارتباط مقاطع یک سوره، پیوندهای لفظی محتوایی آغاز و پایان سوره، ارتباط مقاطع با مقدمه سوره یا با انتهای سوره، تقابل ساختاری آیات و مقاطع و تکرار در آیه و سوره را به تفاسیر خود افزوده‌اند؛ اما هیچ اشاره‌ای به هدف یا غرض سوره نداشته‌اند.

۳-۱-۱. ارتباط مقاطع یک سوره

البحر المحيط فی التفسیر از تفاسیری است که محدود به درون یک سیاق نشده است، بلکه برای فهم بیشتر آیات به ارتباط میان سیاق‌ها در سوره اشاره می‌کند. در سوره‌های طوال قرآن کریم مانند بقره، این نمونه‌ها بیشتر دیده می‌شود (ابوجان اندلسی، ۱۴۲۰: ۴۸۲/۱ و ۴۶/۲ و ۱۹۹). ابوالسعود نیز به ارتباط آیات سیاق‌های داستان بنی اسرائیل (بقره/ ۴۰) و امامت حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام (بقره/ ۱۲۴) با آیات سیاق‌های ابتدایی سوره بقره در باب خلافت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام (بقره/ ۳۰) معتقد است (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۹۴/۱ و ۱۵۴).

۳-۱-۲. پیوندهای لفظی - محتوایی آغاز و پایان سوره

پیوندهای محتوایی بین آغاز و فرجام سوره، از نکات لطیف اعجاز بیانی قرآن است. در قرن نهم، سیوطی در کتاب *مراصد المطالع فی تناسب المقاطع و المطالع*، به این مهم در همه سوره‌ها پرداخته است. روش این کتاب محدود به آیات نخستین و پایانی سوره نمی‌شود، بلکه بیشتر موارد سیاق آغازین و پایانی سوره را در نظر می‌گیرد؛ مانند: آیه ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْلَمُونَ﴾ (انعام/ ۱) با آیه ﴿وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَغْدُلُونَ﴾ (انعام/ ۱۵۰). ارتباط آیات ۴ و ۷۴ سوره انفال، با توجه به عبارت مشترک ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾ در سیاق آغازین و انتهای همین سوره، شروع با تسبیح و اختتام با تحمید در سوره اسراء (سیوطی، ۱۴۲۶: ۵۴)، اشاره به موضوعی واحد مانند قرآن در آغاز و پایان سوره (همان: ۵۴، ۵۷ و ۶۲) و ذکر آغاز و پایان حادثه قیامت در ابتدا و انتهای سوره حج (همان: ۵۵)، نمونه‌هایی از این قبیل پیوندهاست.

۳-۱-۳. ارتباط مقاطع میانی با مقدمه یا انتهای سوره

ارتباط آیات در مقاطع میانی با ابتدا و انتهای سوره، نوع دیگری از ارتباط مقاطع است؛ مانند ارتباط لفظی و معنوی آیه «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس / ۷۰) در وسط سوره با دو آیه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ» (یس / ۱۱) و «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (یس / ۷) در مقطع آغازین سوره (نظام‌الدین نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵/۵۴۵) و آیات ۹۲ تا ۱۱۲ سوره انبیاء درباره سنت الهی آمدن پیامبران از میان بشر و سپس آیات مقطع پایانی در باب ارسال پیامبر اکرم ﷺ و وظیفه جهانی حضرت در ابلاغ، نتیجه‌گیری این مقطع از آیات است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۵۵۱/۶). مفسر تفسیر معارف القرآن، کل سوره احزاب را به جهت تکریم، تعظیم و برپا داشتن اطاعت الهی می‌داند و همه این مفاهیم را به آخرین آیه سوره یعنی رسیدن به مقام و جایگاه بلند این اطاعت متصل می‌کند (عثمانی دیوبندی، ۱۳۸۶: ۱۱/۲۴۱).

۳-۱-۴. تقابل ساختاری آیات و مقاطع

تقابل به معنای مخالف و مقابل هم قرار گرفتن، یکی از ویژگی‌های بیانی قرآن است که علاوه بر واژگان، بر جملات و آیات نیز قابل تطبیق است. گاهی این تقابل در آیات مجاور به خوبی روشن است؛ اما گاهی اوقات ژرف‌اندیشی بیشتری لازم است تا نکات و لطایف مفیدی را به دست دهد. آیات یا مقاطعی که در صدد توصیف نقطه مقابل‌اند، بهتر باعث روشن شدن مقصود و مفهوم آیه می‌شوند (مصطفوی، ۱۳۶۷: ۳/۱۴۲)؛ برای نمونه، مؤلف تفسیر روشن، آیه ۸۸ سوره توبه را به ۵ عبارت تقطیع کرده و آن‌ها را در کنار عبارت‌های تقطیع‌شده دو آیه قبل تر قرار می‌دهد.

الف) «الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ» در مقابل «تَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (توبه / ۸۶)،

ب) «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ» در مقابل «اسْتَأْذِنَكَ أَوْ لَوْ الطَّوْلِ» (توبه / ۸۶)،

ج) «جَاهِدُوا بِأَنْفُسِهِمْ» در مقابل «يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ» (توبه / ۸۷)،

د) «أُولَئِكَ هُمُ الْخَيْرَاتُ» در مقابل «طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (توبه / ۸۷)،

ه) «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» در مقابل «فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (توبه / ۸۷).

این مفسر، ساختارهای متقابل را به عنوان زیرساخته تفسیر ادبی، در تفسیر مؤثر و

کارآمد می‌داند (همان: ۲۳۰/۱۰).

۳-۱-۵. تکرار در آیه و سوره

تکرار از جنبه‌های بیانی و زیبایی‌شناختی قرآن در آیات الهی است که به صورت واژه، عبارت، جمله در آیه یا کلیت سوره نیز دیده می‌شود. تکرار بیش از معمول یک حرف، یک کلمه و یک جمله به دلیل تأکید یا تمرکز روی موضوعی خاص انجام می‌شود و این در حالی است که کلام الهی مبرای از بی‌منطقی و زیاده‌روی و اسراف است (بازرگان، ۱۳۷۴: ۴۱). گاه نظرات تفسیری خاصی در پس این تکرارها مطرح می‌شود؛ برای مثال، تکرار سه باره واژه حج در آیه ۱۹۷ بقره نشان از این است که لفظ اول آن حج از نوع مطلق، نوع دوم از نوع مفروض با قیود و نوع سوم مصداق خارجی و مشخص حج است (مصطفوی، ۱۳۶۷: ۳۶/۳).

تکرار واژگان در سیاق‌های یک سوره مانند سیاق اول سوره بقره است که پنج آیه نخستین شامل تکرار فعل، موصوف واحد، ضمیر اشاره و ضمیر است که باید در تبیین آیات آن‌ها را در نظر داشت (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۷۴/۱). تکرار اسم ظاهر و ضمائر مربوط به آن (بقاعی، ۱۴۲۷: ۴۹۴/۴) یا تکرار یک اسم در دو آیه متوالی (حسینی واعظ، ۱۳۸۱: ۲۸) نمونه‌هایی دیگرند. نیز تکرار آیات همسان در سوره‌های رحمن و کافرون را به جهت تأکید و فهم بیشتر آیات گفته‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۳۸/۱) که اغلب تفاسیر به تکرارهای درون این دو سوره توجه و اهتمام داشته‌اند.

با توجه به آنچه که در ابتدای بحث ساختاریابی سوره بدون هدف، گفته شد، شاید این تصور به وجود آمده باشد که روش و نگرش ساختاری به کلیت سوره در تفاسیر متقدم هرگز وجود نداشته و فقط در حد اشاره به تناسب آیات مجاور بوده است؛ اما گوشه‌هایی از این کلی‌نگری به ساختار سوره در تفسیر مجمع‌البیان دیده شده است. بررسی سوره یونس تا حدودی نگاه ساختارگرایانه به سوره را در شیوه تفسیری و دیدگاه علامه طبرسی نشان می‌دهد. بیان انسجام و ارتباط معنایی آیات مقطع آغازین سوره (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۷/۵)، بازگشت مقاطع میانی سوره یعنی آیات ۲۱ و ۲۲ سوره به ابتدای سوره (همان: ۱۵۴/۵)، ارتباط آیات یک مقطع یا سیاق مانند آیات ۴۰ تا ۴۴ (همان:

۱۶۹/۵)، توجه به نظایر آیات سوره با سوره‌ای دیگر مانند تقطیع آیه ۴۱ این سوره به ۵ قسمت و هماهنگ و متناظر دانستن تک تک عبارات آن با پنج آیه سوره کافرون (همان: ۱۶۸/۵-۱۶۹)، ارتباط جمله میانی آیه «الْإِنِّ وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا» با صدر همان آیه «الْإِنِّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ» (یونس / ۵۵؛ همان: ۱۷۵/۵)، اتصال یک آیه به آیه‌ای دیگر در چندین سیاق قبل تر مانند ارتباط آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ» (یونس / ۵۹) با آیه «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ» (یونس / ۳۱)، اتصال آیه «وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ» (یونس / ۶۵) به چند آیه پیش (همان: ۱۸۲/۵)، پیوند و ارتباط آیات پایانی با کلیت سوره (همان: ۲۱۱/۵)، همگی نشان‌دهنده نگاه ساختارگرایانه مؤلف مجمع‌البیان در این سوره بوده است.

۲-۳. ساختاریابی و تعیین غرض و محور موضوعی سوره

روزآمدترین روشی که بر پایه ساختارهای بیان‌شده در تفاسیر قبلی در عصر جدید به مرحله ظهور رسید، کشف اهداف و محور موضوعی سوره‌هاست. دیدگاه‌ها و شیوه‌های متعددی علاوه بر موارد قبلی از سوی مفسران درباره چگونگی فرایند کشف غرض سوره‌ها از طرق متعدد در تفاسیر مطرح گردید که نمونه‌ای از آن‌ها در ذیل بیان می‌شود.

۱-۲-۳. تقسیم‌بندی آیات با دیدگاه موضوعی و عنوان‌گذاری مقاطع حول محور موضوعی سوره

تقسیم‌بندی آیات در سوره‌ها روشی برای آسان‌تر کردن فهم سوره‌هاست تا خواننده بتواند با مفاهیم سوره ارتباط برقرار کرده و بر وجود هماهنگی منطقی میان آیات و غرض پی ببرد. برخی حتی مطالب و شماره صفحات را بر اساس موضوع آیات در فهرست خود تنظیم کرده‌اند که عموماً با توجه به محورهای موضوعی یک سوره است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۸۶-۳۸۷ و ۱/۲-۳). نویسنده حقایق ذکرشده در آیات قرآنی را پیوسته و مفسر یکدیگر می‌داند و معتقد است که همه آیات الهی حول محور خاص توحید و یکتاپرستی دور می‌زند (همان: ۱۳۹/۴) تا اتحادی در همه بشر بیافریند که همه را تحت پرچم «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» درآورد (همان: ۱۷/۱۵۱ و ۱۵۳). این تقسیم‌بندی آیات در برخی از تفاسیر بر اساس نگرش موضوعی و مرتبط با محورهای اصلی هر سوره بعضاً با عنوان‌گذاری همراه بوده است (زحیلی، ۱۴۱۱: ۹/۱).

۲-۲-۳. تفسیر بسم‌الله مطابق با محتوای سوره

از نظر برخی، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در ابتدای هر سوره به مقتضای معانی سورهٔ مربوطه، معنا و مفهوم خاصی به خود می‌گیرد. از آنجایی که وحدت و یگانگی یک سخن به واسطهٔ هدف و منظری است که از آن در نظر گرفته شده است، بنابراین ذکر بسمله در طلیعهٔ هر سوره، برای شروع در مقصود خاص آن سوره است (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۵۷)؛ برای مثال یکی از ویژگی‌های تفسیر *تبصیر الرحمان و تیسیر المنان* آن است که در آغاز هر سوره، نکات جدیدی در تفسیر آیه «بسم الله» متذکر می‌شود. نویسنده در هر سوره، آیه «بسم الله» را با توجه به مطالب و موضوع آن سوره شرح می‌دهد (مہائمی، ۱۴۰۳: ۳۲/۱، ۱۰۱ و ۱۳۸؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۲۲۳/۱ و ۳۲۰). این تفاوت‌های مفهومی از «بسم الله» را برخی به تناسب سیاق و مطالب هر سوره و آغاز و پایانی مخصوص به آن سوره بیان کرده‌اند (شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۱۷/۱، ۲۰، ۹۷ و ۱۴۱).

۳-۲-۳. بیان اهداف کلی و اجمالی و موضوعات اصلی در مقدمه سوره

در زمینه اهداف و مقاصد سوره، گاهی مفسر تنها در مواردی که لازم دانسته از وحدت حاکم بر فضای سوره در جهت تفسیر بهره جسته و با تعبیری مانند مبانی و موضوعات اصلی سوره (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۶/۲۵)، ایقاعات درون‌سوره‌ای برای جهت‌دهی به محتوای سوره (همان: ۲۴/۳۵۸)، تصویر کلی (همان: ۸/۵) و فضای حاکم بر سوره (همان: ۲۰/۱۹۶ و ۲۵/۳۹۸) به اهداف کلی اشاره کرده است. در مقابل، برخی تفاسیر با بیانی نسبتاً طولانی از مقاصد سوره‌های طوال مانند بقره سخن گفته‌اند (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱/۳۶۲۸).

از سوی دیگر سید قطب، اسلوب متمایزی در تفسیر ادبی ابداع کرد. او آیات را با ذوق خالص ادبی تفسیر، و اهداف کلی مورد نظر آیات را بدون پرداختن به جزئیات بیان کرد (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۴۹۶). او ارتباط، انسجام و وحدت را در تصاویر و تعبیر قرآن می‌بیند که با درک خصوصیات عمومی و شکار نشانه‌ها از متن در پی تسلسل طبیعی حاکم بر انتقال از غرضی به غرض دیگر در سوره‌ها به دست می‌آید (همو، ۱۳۷۳: ۳۲). مؤلف تفسیر کاشف با سبکی نوین پس از توضیحات کلی درباره سوره و پیام اصلی،

در صدد اثبات چهره موزون سوره‌های قرآن و روابط آیات بر اساس تقسیم‌بندی مباحث و دسته‌بندی آیات همراه با اشعار، تصاویر و عکس‌هایی از طبیعت و جانداران برمی‌آید تا قرآن را مجموعه‌ای ناگسسته، و واحدی به هم پیوسته معرفی کند (همو، ۱۳۷۹: ۵۰۴/۲).
مضمون و درون‌مایه هر سوره با عناوین «الإطار العام» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹۲/۱ و ۴۹۸)، «مدخل عام» (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۱/۱)، «أجواء السورة» (همان: ۷/۱۰)، «جولة فی آفاق السورة» (همان: ۱۵۹/۱۲)، «مضمون السورة» (همان: ۲۱۴/۱۶)، «أغراض السورة» (همان: ۱۷۳/۱۸) و مباحثی پیرامون این مفاهیم در دیگر تفاسیر نشان می‌دهد که تعیین محورهای موضوعی یا اهداف هدایتی سوره‌ها تا چه اندازه در تفاسیر ورود پیدا کرده است.

نیز معیار علامه طباطبایی در دسته‌بندی آیات در تفسیر المیزان، هماهنگی آن‌ها در یک موضوع فرعی است. وی حکمت سوره سوره شدن آیات قرآن را در وحدت غرض می‌داند و در ابتدای هر سوره، ذیل عنوان «بیان» غرض سوره را با دلایل مربوطه بیان کرده، آنگاه آیات را در دسته‌های مختلف از یکدیگر تفکیک می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۳/۱ و ۵/۳). علامه معتقد است که بعضی از سوره‌ها، غرضی را که اوایل سوره آمده است، در آخر سوره تکرار می‌کند (همان: ۱۴۶/۹). تفاسیر متعدد دیگری نیز همچون التفسیر الواضح، المنار، پرتوی از قرآن، صفة التفاسیر، التحریر و التیسیر و قرآن مهر، به محور موضوعی و تعیین اهداف سوره نظر و اهتمام جدی داشته‌اند.

۳-۲-۴. تعیین معالم السور یا غرر آیات

از نظر صاحب تفسیر نظام القرآن و تأویل الفرقان، آیات شاخصی که در تبیین نظام سوره نقش مهمی دارند، «معالم السور» نامیده می‌شوند. از نظر او همه آیات یک سوره، در درجه اهمیت یکسان قرار ندارند و برخی جایگاهی برتر از دیگر آیات دارند (فراهی، بی‌تا: ۹۲)؛ زیرا از جنبه‌های متعدد لغوی، اعراب، بلاغت، تاریخ، فقه و حکمت و نظایر آن‌ها می‌توانند برجسته باشند و با توجه به آن‌ها عمود و رکن سوره را می‌توان استخراج کرد (همان: ۹۳). مؤلف تفسیر تسنیم به گونه‌ای دیگر به تبیین این مفهوم پرداخته است؛ یعنی علاوه بر توجه به خطوط کلی معارف هر سوره در مقدمه آن، به

آیات کلیدی و برجسته آن اشاره کرده است که به آن‌ها غرر آیات گفته می‌شود؛ مانند آیه‌الکرسی و سه آیه پایانی بقره و آیات ناظر به مقام خلافت الهی که از آیات برجسته و ممتاز سوره بقره هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۳۰/۲) که این رویکرد را پیشتر از تفسیر *المیزان* گرفته است. علامه طباطبایی از مروجان تعیین غرر آیات است و وجود آن‌ها را راهگشای آیات دیگر قرآن و پایه محکمی برای حل بسیاری از احادیث می‌داند. علامه بر این باور است که در هندسه معارف قرآنی، آیاتی وجود دارند که قاعده هرم معارف آن را می‌سازند و معارف قرآن مانند شجره طیبه‌ای است که بن و ریشه آن توحید است و توحید به سان روحی در تمام اجزای آن جریان و سریان دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۲/۱۲).

۵-۲-۳. وحدت موضوعی، نظام قرآن، جامعیت واحد، ساختار هندسی، تفسیر ساختاری و نظم ساختاری

نظریات جدیدی در راستای ساختارمندی سوره‌ها میان مفسران مشاهده می‌شود که به تبیین هر کدام از آن‌ها پرداخته می‌شود. *الاساس فی التفسیر* اثر سعید حوئی، کتابی پیرامون رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن است. حوئی حافظ کل قرآن بود و نزد اساتیدی برجسته قرائت قرآن را آموخت. مسئله حفظ و قرائت قرآن او، با تعمق و تفکر در مفاهیم قرآنی و اسرار ارتباط آیات و سوره‌های قرآن همراه بود (حوئی، ۱۴۲۴: ۱۹/۱)؛ به گونه‌ای که در پی فعالیت‌های سیاسی خویش، از فرصت سختی‌ها و رنج‌های زندان برای تأمل، نظریه‌پردازی و نگارش تفسیر قرآن بهره گرفت. در این تفسیر، نظریه‌ای جامع در باب انسجام مضمونی و وحدت سوره‌های قرآن عرضه شد که توجه بسیاری از دانشمندان را به خود جلب کرد (آقایی، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۵). این نظریه دو سطح دارد: سطح سوره‌ها و سطح آیات. وحدت موضوعی درون سوره ناظر به این نوع اخیر است. از نظر او هر سوره می‌تواند به اجزای کوچک‌تری تقسیم شده و ارتباط‌های لفظی و معنایی بخش‌های آن را به هم پیوند می‌زند. این تفسیر با عناوینی چون سیاق سوره به معنای مضمون کلی سوره (حوئی، ۱۴۲۴: ۱۲۹۵/۳)، سیاق قسم یعنی وحدت مضمونی مقاطع (همان: ۱۳۷۹/۳ و ۱۴۱۸)، سیاق مقطع یا وحدت مضمونی فقرات (همان:

۱۳۰۱/۳) و سیاق قریب (همان: ۱۵۱۱/۳)، در صدد نشان دادن لایه‌های متعدد ساختار سوره است که در تعیین وحدت موضوعی کاربرد خاص دارند.

نظریه نظام قرآن، در باب واحد بودن سخن قرآن است. این نظریه بین نظم و تناسب تفاوت ویژه‌ای قائل می‌شود. در این نظام، تناسب آیات اصل کلام را یکپارچه و مستقل نمی‌سازد، بلکه نظام چیزی افزون‌تر از مناسبت و ترتیب اجزاء ارائه می‌کند و تناسب تنها جزئی از نظام محسوب می‌گردد (فراهی، بی‌تا: ۸۶-۸۷). نظام قرآن، در واقع شبیه به همان وحدت موضوعی است که در کتاب *الاساس فی التفسیر* بیان شده بود.

نظریه جامعیت واحد، کل قرآن کریم را به سان جمله‌ای می‌داند که واژه‌های آن با یکدیگر ارتباط لفظی معنایی دارند؛ کلام یکپارچه‌ای که حتی اگر آیات گذشته و آینده‌اش از آن حذف شود، مثل آن است که همه آیات حذف شده باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۹۴). از این رو آیات یک سوره مانند اجزای یک جمله با یکدیگر ارتباط آوایی، لفظی، معنایی، اسلوبی و محتوایی داشته و برای تأمین یک هدف در کنار هم قرار می‌گیرند (احمدزاده، ۱۳۸۸: ۸۷).

نظریه ساختار هندسی سوره‌ها، با ارائه فصل‌بندی‌های مشخص و مرتبط با محتوا، فهرستی منظم و منطقی از مباحث هر سوره فراهم می‌سازد تا به هدف سوره دست یابد (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۵۳). از این رهگذر، تفاسیر ساختاری به عرصه تفسیر وارد شدند تا از راه نشان دادن روابط آشکار و نهان بین اجزای سوره، هماهنگی مقاطع مختلف و شناساندن ساختمان پیکر هر سوره، به بیان ارتباطات غیر خطی و ارتباط با عناصر صوری، ایقاعی و ادوات هنری سوره بپردازند (بستانی، ۱۴۲۲: ۱۴). به عبارت دیگر در سوره وحدتی حاکم می‌گردد که ساختمان سوره بر اساس آن شکل می‌گیرد؛ یعنی هر نوع نظم و ساختار درون سوره، در جهت هدف و اصل طبیعی است که سوره به دنبال آن هماهنگ و تنظیم شده است. درک و دریافت این مراتب و درجات از زیبایی‌های انسجام و ارتباط در ساختار سوره، با قرائت مستمر خواننده حاصل می‌شود. این قوت و استحکام با شیوه‌ای هنرمندانه از موضوعی به موضوعی دیگر در متن قرآن کریم منتقل شده که همان نظریه نظم ساختاری قرآن کریم است (بستانی، ۱۴۲۲: الف: ۱۰/۱).

نتیجه‌گیری

نخستین نگاه‌های ساختارمندانه به سوره، در شیوه‌های تفسیری افرادی چون حکیم ترمذی با تحلیل محتوای ساختاری سوره بقره، باقلانی در نشان دادن پیوستگی لفظی و محتوایی برخی سوره‌ها و نیز طبرسی در اشاره به تکرارها و ارتباطات آیات و مقاطع سوره یونس دیده شده است. به تدریج مفسران بنا به نوع رویکرد خود، با تأثیرپذیری از برخی ویژگی‌های ساختاری سوره‌ها چون تناسب آیات، سیاق آیات، پیوندهای لفظی محتوایی مقاطع مختلف سوره، عنوان‌گذاری مقاطع، تقابل ساختاری، تکرارها، تقسیم‌بندی سوره به سیاق‌ها، غرر آیات، موضوع و اهداف کلی سوره، به تفسیر آیات پرداختند.

بدین ترتیب نگاه نظام‌یافته تفاسیر امروزی به سوره در ادامه نگرش مفسران متقدم شکل گرفت و کامل گردید و اکنون به مفاهیمی مانند وحدت موضوعی، جامعیت واحد، ساختار هندسی، تفسیر ساختاری و نظم ساختاری پیوند خورده است. این روند رو به گسترش و فراگیر نشان داده است که شناخت ساختار سوره‌ها می‌تواند یکی از مقدمات اولیه و مهم برای استنباط دقیق مفاهیم و مقاصد آیات و سوره‌های قرآن کریم باشد و از این راه نکات و لطایف پایان‌ناپذیری را در تدبر و تفسیر قرآن کریم به دست دهد.

کتاب‌شناسی

۱. آقایی، سیدعلی، «رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در الیاس فی التفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۲. ابن ابی اصبح مصری، عبدالعظیم بن عبدالواحد، *بدیع القرآن*، ترجمه سیدعلی میرلوحی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
۳. ابن عربی، محمد بن علی، *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*، دمشق، مطبعة نصر، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن فارس، ابوالحسین احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابوالسعود، محمد بن محمد، *تفسیر ابی‌السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۸. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق محمد جلیل صدقی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۹. ابوموسی، محمد محمد، *البلاغه القرآنیة فی تفسیر الزمخشری و اثرها فی الدراسات البلاغیه*، قاهره، مکتبه وهبه، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. احمدزاده، مصطفی، «وحدت موضوعی سوره‌ها در تفسیر تسنیم»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵۷، بهار ۱۳۸۸ ش.
۱۱. اسکولز، رابرت، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. ایران‌منش، اسما، حسین خاکپور و علیرضا حیدری‌نسب، «تأثیر روایات امام صادق علیه السلام بر مبانی تأویلی باطنی شهرستانی»، *پژوهش‌نامه ثقلین*، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳ ش.
۱۳. بازرگان، عبدالعلی، *متدولوژی تدبیر در قرآن*، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، *اعجاز القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۱۵. بستانی، محمود، *التفسیر البنائی للقرآن الکریم*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۲ ق. (الف)
۱۶. همو، *المنهج البنائی فی التفسیر*، بیروت، دار الهمادیه، ۱۴۲۲ ق. (ب)
۱۷. بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۷ ق.
۱۸. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن سحر بن محبوب، *البيان و التبیین*، مصر، المطبعة التجاریة الکبری، ۱۳۴۵ ق.
۱۹. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *دلائل الاعجاز فی علم المعانی*، بیروت، المکتبة العصریه، ۱۴۲۱ ق.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تحقیق علی اسلامی، چاپ هشتم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش. (الف)
۲۱. همو، *قرآن در قرآن*، تحقیق محمد محرابی، چاپ هشتم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش. (ب)
۲۲. حسنی واعظ، محمود بن محمد، *دقائق التأویل و حقائق التنزیل*، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. حسینی همدانی، محمد، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. حوی، سعید، *الیاس فی التفسیر*، چاپ ششم، قاهره، دار السلام، ۱۴۲۴ ق.

۲۵. خامه گر، محمد، *ساختار هندسی سوره های قرآن*، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. خانی (مهروش)، حامد (فرهنگ)، «روش تفسیری حکیم ترمذی»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶ ش.
۲۷. خرقانی، حسن، «آیه و ساختار آن»، *بنیات*، شماره ۲۹، ۱۳۹۳ ش.
۲۸. خطیب شربینی مصری، محمد بن احمد، *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*، تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۵ ق.
۲۹. خوش منش، ابوالفضل، *درآمدی به ظرفیت های فرهنگی و هنری زبان قرآن*، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۵ ش.
۳۱. رمانی و خطابی و عبدالقاهر جرجانی، *ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن*، تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، چاپ سوم، قاهره، دار المعارف، ۱۹۵۶ م.
۳۲. زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، چاپ دوم، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، ترجمه محسن آرمین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
۳۴. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. سلام، محمد زغلول، *اثر القرآن فی تطور النقد العربی*، مصر، مکتبه الشیاب، بی تا.
۳۷. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، چاپ سی و پنجم، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۳۸. سید مرتضی علم الهدی، ابوالقاسم علی بن حسین موسوی، *تفسیر الشریف المرتضی المسمی بنفائس التأویل*، جمع آوری سیدمجتبی احمد موسوی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ ق.
۳۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
۴۰. همو، *مراصد المطالع فی تناسب المقاطع و المطالع*، ریاض، مکتبه دار المنهاج، ۱۴۲۶ ق.
۴۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *تفسیر الشهرستانی المسمی مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تهران، مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۷ ش.
۴۲. شیخ علوان، نعمه الله بن محمود، *الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، الموضحة للكلم القرآنیة و الحکم الفرقانیة*، قاهره، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹ م.
۴۳. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، چاپ دوم، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴۴. صاوی جوینی، مصطفی، *شیوه های تفسیری قرآن*، ترجمه موسی دانش و حبیب روحانی، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش.
۴۵. صدر، سیدمحمدباقر، *دروس فی علم الاصول*، بیروت، دار الکتب اللبنانی، ۱۹۷۸ م.
۴۶. صفوی، کوروش، *از زبان شناسی به ادبیات*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۴۸. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، *التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن العظیم للامام الطبرانی*، تحقیق هشام بدرانی، اردن - اربد، دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸ م.

۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۵۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۵۱. طنطاوی، محمد سید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، دار نهضة مصر، ۱۹۹۷ م.

۵۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۵۳. عثمانی دیوبندی، محمد شفیع، *تفسیر معارف القرآن*، ترجمه محمدیوسف حسین پور، چاپ سوم، تربت جام، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۶ ش.

۵۴. علوی مقدم، مهیار، *نظریه های نقد ادبی معاصر (صورتگری و ساختارگرایی)*، تهران، سمت، ۱۳۷۷ ش.

۵۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۵۶. فراهی، حمیدالدین، «دلایل النظام»، قابل دستیابی در وبگاه <www.hamid-uddin-farahi.org>.

۵۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.

۵۸. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.

۵۹. قرشی بنابی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.

۶۰. گنابادی، سلطان محمد بن حیدر (سلطان علی شاه)، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.

۶۱. مدرسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبتی الحسین (ع)، ۱۴۱۹ ق.

۶۲. مصطفوی، میرزا حسن، *تفسیر روشن*، قم، مرکز نشر کتاب، ۱۳۶۷ ش.

۶۳. معرفت، محمد هادی، *تفسیر و مفسران*، ترجمه علی خیاط و علی نصیری، قم، تمهید، ۱۳۷۹ ش.

۶۴. همو، *تناسب آیات*، ترجمه عزت الله مولائی نیا همدانی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

۶۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، چاپ بیست و ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.

۶۶. مهائمی، علی بن احمد، *تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تبصیر المنان*، چاپ دوم، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق.

۶۷. نظام الدین نیشابوری (نظام الاعرج)، حسن بن محمد بن حسین قمی، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.

پرتال جامع علوم انسانی